

سمینار کتاب و احیای تمدن شرق در تاجیکستان

سیدعلی آل داوود*

سمینار بین المللی «کتاب و احیای تمدن شرق» در شهر دوشنبه پایتخت تاجیکستان به مدت دو روز در روزهای ۲۵ و ۲۶ آذر ۱۳۸۳ - ۱۵ - ۱۶ دسامبر ۲۰۰۴ با شرکت استادان و پژوهشگرانی از کشورهای ایران، تاجیکستان، افغانستان و ازبکستان برگزار گردید و ۲۲ سخنران در طی این دو روز - صبح و بعد از ظهر - هر یک به مدتی کوتاه در یکی از موضوعات مربوط به کتاب، نسخه‌های خطی، کتابخانه‌ها و ضرورت گردآوری و فهرست نگاری نسخ خطی سخنانی ایراد کردند.

سمینار با سخنان امیر اوف وزیر فرهنگ تاجیکستان کار خود را آغاز کرد. از ایران غیر از قهرمان سلیمانی رایزن فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در تاجیکستان، چهار تن دیگر در این سمینار شرکت و در باب موضوعات زیر سخنانی بیان کردند:

۱ - معرفی فهرستواره کتاب‌های فارسی از انتشارات دایرة المعارف بزرگ اسلامی، عسکر بهرامی.

۲ - نسخ خطی دایرة المعارف بزرگ اسلامی، بهروز محمودی بختیاری.

۳ - نسخ خطی کتابخانه مرکزی تبریز و نقش برادران نخجوانی، دکتر باقر صدری نیا.

۴ - ضرورت تدوین فهرست جامع نسخه‌های خطی فارسی در تاجیکستان، سید علی آل داوود.

۵ - دنیای جدید نسخ خطی، قهرمان سلیمانی.

*. نویسنده و مصحح متون ادبی و تاریخی.

هیأت ایرانی به سبب تأخیر ۱۷ ساعته پرواز شرکت آسمان در فرودگاه مشهد، نتوانست به موقع برسد و از این رو در مراسم افتتاح و سخنان وزیر فرهنگ تاجیکستان فرصت حضور پیدا نکرد و تنها چند ساعت پس از آن، توانست با راهنمایی رایزن فرهنگی ایران در هتل دوشنبه در حاشیه میدان صدرالدین عینی شهر دوشنبه استقرار یافته و در سمینار که در یکی از سالن‌های همین هتل تشکیل شده بود شرکت نماید. پس از سخنرانی وزیر فرهنگ، دکتر سفر سلیمانی دبیر سمینار و رئیس پژوهشگاه فرهنگ تاجیکستان سخنان خود را آغاز کرد. دکتر سلیمانی تحصیل کرده مسکو است و سالیان متمادی در ایران زیسته و به ایران و فرهنگ ایرانی سخت دل بسته است. موضوع سخن او «نسخ خطی به عنوان مبحث اطلاعات بیلیوگرافی» است. او در سخنان خود اشاره کرد که اطلاعات عمومی مردم تاجیکستان کم است و حتی مردم از شاهنامه فردوسی جز داستان رستم و سهراب چیز دیگری نشنیده‌اند.

پس از او آقایان عسکر بهرامی و بهروز محمودی بختیاری از ایران سخنان خود را ایراد نمودند. سخنران دیگر دکتر میرزا ملا احمد از تاجیکستان بود که در باب کتاب‌شناسی‌های نسخ خطی ادبی فارسی سخن گفت. پس از او دکتر همایون از افغانستان در باب «کتاب‌شناسی نسخ خطی افغانستان» و محمد جعفر رنجبر رئیسی که او هم از افغانستان آمده بود درباره «سرگذشت کتاب و کتاب سوزی در افغانستان» سخنرانی کردند. از نکات جالب مورد اشاره سخنرانان افغان این بود که گفته شد در زمان تسلط طالبان بر افغانستان، گروه مذکور برخلاف شایعات متعرض کتاب سوزی نشدند، لیکن مردم از شدت استیصال در فصل سرمای سخت در برخی مناطق برای گرم کردن خود کتاب‌ها را در آتش می‌افکندند.

بعد دکتر تاشف مدیر کتابخانه ملی تاجیکستان در باب جایگاه کتابخانه ملی در تهیه کتاب‌شناسی نسخ خطی سخن گفت و در ضمن سخنانش به مشکلات فهرست نگاری در این کشور اشاره نمود. «کتاب‌های خطی اسلامی و مسئله تصنیف آنها و شرح آنها در کتابخانه‌ها» عنوان سخنرانی نوید دانشمند تاجیک و معاون حزب اسلامی عبدالله نوری بود. بعد محمد اوف راجع به مینیاتورها در نسخ خطی فارسی سخن گفت و در آخر جلسه میزگرد کوتاه مدتی تشکیل گردید.

از همه جالب‌تر سخنان دانشجوی جوان ازبک آقای سلطان سعید اوف دانشجوی فوق‌لیسانس دانشگاه سمرقند بود. او با زحمت زیاد از ازبکستان خود را به تاجیکستان

رسانده بود. ازبکستان در دادن ویزا به تاجیک نژادان برای ورود به تاجیکستان سخت‌گیری فوق‌العاده‌ای اعمال می‌کند. از توضیحات سعید اوف برمی‌آید که دولت فعلی ازبکستان فعالیت تاجیک‌ها را محدود و استفاده از زبان فارسی تاجیکی با مشکلات فراوان مواجه است. فقط در شهرهای سمرقند و ترمذ برخی نشریات فارسی به چاپ می‌رسد. در بخارا سخت‌گیری‌های بیشتری اعمال می‌گردد. سخنران ازبک در پایان اعتراض کرد که چرا هنگام نام بردن از مراکز زبان فارسی تنها از ایران، افغانستان و تاجیکستان نام برده می‌شود و نامی از ازبکستان در میان نیست. در حالی که عده کثیری فارسی زبان در ازبکستان زندگی می‌کنند و احتمالاً جمعیت آنان نسبت به ازبک‌ها در اکثریت است. لیکن در ازبکستان کتاب فارسی بسیار کم است و اجازه چاپ کتاب به زبان فارسی را نمی‌دهند. او پیشنهاد می‌کرد که وظیفه تاجیکستان در این جا خطیر است و باید افزون بر تجهیز کشور خود به کتب آموزشی مفید، نقش محوری آموزش زبان فارسی تاجیکی را در منطقه برعهده گرفته و برای گسترش زبان فارسی در کشورهای همجوار علاقمند چون ازبکستان و قرقیزستان بکوشد.

سخنران دیگر روز دوم، خانم دکتر لاله داد خدایوا، استاد باستان‌شناسی و تاریخ کهن بود. وی در دانشگاه سن پترزبورگ درس خوانده و سخنرانی خود را که در باب کتیبه‌های سمرقند تهیه کرده بود به زبان روسی قرائت کرد و دکتر لقمان بای‌متف آن را به فارسی ترجمه نمود. وی ضمن سخنان خود از طرح نگارنده این سطور در خصوص برپایی و تأسیس مرکز تحقیقات فارسی در تاجیکستان استقبال و پشتیبانی کرد. سخنران دکتر لاله حاوی مطالب تازه و شنیدنی بود و دیدگاه تازه‌ای را در باب کتیبه‌ها ارائه می‌داد. او در پایان به نتیجه‌گیری پرداخت و نکاتی در باب کتاب‌شناسی و ارزش علمی این رشته بیان کرد.

سخنران دیگر دکتر عبدالله جان یونس اوف رئیس بخش کتب خطی و نادر کتابخانه ملی تاجیکستان [فردوسی] بود. او در سخنان خود مطالب دقیق و مستندی در باب نسخ خطی تاجیکستان بیان کرد. در مجموع سخنرانی او پر مطلب و آموزنده بود و معلوم می‌شد که بر کار خود تسلط کافی دارد. چنانکه روز بعد که از کتابخانه و مخزن کتب خطی بازدید کردیم، دلسوزی و مراقبت او در حفاظت نسخ خطی به خوبی مشهود بود. او پیشنهادهایی در زمینه گردآوری و خرید نسخ خطی در تاجیکستان ارائه داد. کمال عینی دانشمند نام آور تاجیک و فرزند صدرالدین عینی، سخنران دیگر روز

دوم سمینار بود. او در سخنان مفصل خود به موضوعات گوناگون پرداخت: در باب چاپ نسخه ویس و رامین گرجی و متن فارسی آن در بنیاد فرهنگ، بنیاد گذاری کتابخانه ملی تاجیکستان و وضعیت اسفبار زبان فارسی پس از استقرار رژیم کمونیستی در اتحاد شوروی و بخشنامه راجع به انهدام نسخ خطی فارسی سخن گفت و در آخر پیشنهاد انتشار یک نشریه کتاب‌شناسی به زبان فارسی را ارائه داد. دکتر امریزدان علی مردان اوف سخنران بعدی به نکته جالبی اشاره داشت: به گفته او رایزنی فرهنگی ایران در ازبکستان نشریه‌ای به نام سینا به زبان ازبکی [شاخه‌ای از ترکی] منتشر می‌کند. این مجله متأسفانه تنها نامش به فارسی است و از اینکه رایزنی فرهنگی ایران آن را انتشار می‌دهد باید متأسف بود. در پایان سمینار رادیو تاجیکستان راجع به وضع نسخ خطی در ایران و تاجیکستان مصاحبه‌ای با نگارنده این سطور انجام داد که چند بار آن را پخش نمود. سمینار در بعد از ظهر روز ۱۶ دسامبر با جمع بندی سخنرانی‌ها به کار خود پایان داد.

اقامت هیأت ایرانی به سبب نبودن پرواز شرکت‌های هوایی، مدت یک هفته به طول انجامید. توفیق اجباری پیش آمد که با کشور دلیپذیر و مردم دوست داشتنی تاجیکستان آشنایی بیشتری انجام شود. در این چند روز از مصاحبت مردمان صمیمی و مهربان تاجیکستان فراوان لذت بردیم. همنشینی با تاجیکان آرامش را به انسان باز می‌گرداند. خاصه به کسی که از تهران شلوغ آمده باشد. مردم با گویش خاصی از زبان فارسی سخن می‌گویند که به «تاجیکی» شهرت دارد. و در حقیقت گونه‌ای از زبان فارسی است که کمتر دچار تحول شده و با فارسی کهن یعنی آنچه در شعر رودکی و کتب تاریخ و تفسیر ابوعلی بلعمی و ابن سینا دیده می‌شود قرابت نزدیک دارد. یکی از سخنرانان که می‌خواست بگوید: این کتاب را در فلان کتابخانه دیده‌ام می‌گفت: «آنجا رفتگی و دیده‌گی کرده‌ام».

دکتر سفر سلیمانی رئیس پژوهشگاه و استاد دانشکده هنرهای زیبا که دبیری سمینار را به عهده دارد مدیری موفق است و به ایران علاقه وافر دارد. همه سعی و کوشش او بر این بود که به ایرانیان در این سفر بد نگذرد و خود شخصاً دنبال حل همه مشکلات بود. روز سوم اقامت در تاجیکستان و پس از برنامه اختتامیه سمینار، برنامه بازدید از کتابخانه ملی تاجیکستان را تنظیم نمود. این کتابخانه به گفته مسؤول آنجا هم

اکنون ۳ میلیون و پانصد هزار نسخه کتاب دارد. کتاب‌ها بیشتر به زبان روسی و بخش کمتر به زبان‌های فارسی و عربی است. این کتابخانه در سال ۱۹۳۳ م تأسیس شده و در ابتدا ۱۸۰۰۰ جلد کتاب داشته است. در سال ۱۹۵۴ به ساختمان فعلی که بنایی پهن‌آور و مستحکم است و به گفته رئیس کتابخانه، ظرفیت جاگیری بیش از ۲ میلیارد کتاب را دارد منتقل گردیده است. این کتابخانه در دوران پیشین یعنی هنگامی که تاجیکستان جزئی از اتحاد جماهیر شوروی بود ۳۴۰ کارمند داشته و دارای ۲۵ بخش بوده است. اما اکنون ۱۷ بخش دارد و حدود ۱۰۰ کارمند. در ابتدا نسخ خطی کتابخانه ۴۰۰۰ جلد بود اما این کتاب‌ها بعداً به آکادمی علمی تاجیکستان انتقال یافت، ولی بعدها مستقلاً به گردآوری نسخ خطی توجه نشان داد و اکنون دارای ۲۲۰۰ دست‌نویس است و دکتر عبدالله یونس اوف متصدی این بخش است.

به گفته رئیس کتابخانه، تمام ناشران مکلفند از هر کتاب دو نسخه به کتابخانه ملی بفرستند. در حدود ۳۰۰ مجله هم به کتابخانه می‌رسد. این کتابخانه با روش دیوئی مرتب شده و دارای مخازن متعدد و بزرگ مملو از کتاب است. یکی از سالن‌ها ویژه ادبیات دول اروپایی است و حدود ۸۰۰۰۰ جلد کتاب دارد. یکی از سالن‌های دیگر مختص کتب فارسی چاپ ایران است و «رودکی» نام دارد. این سالن ظاهراً در نتیجه اقدامات آقای مجتهد شبستری سفیر پیشین ایران گشایش یافته و حدود ۱۴۰۰۰ جلد کتاب دارد و بیشتر آن را دولت ایران اهدا کرده، اما از کتاب‌های جدید در آن خبری نیست و نشریات چاپ ایران همه متعلق به شش هفت سال پیش است. کتابخانه برای خود چاپخانه مستقلی دارد ولی غیر از کتب کتابخانه، از دیگران هم سفارش قبول می‌کند.

روز دیگر از انستیتوی شرق‌شناسی و میراث خطی وابسته به آکادمی علوم تاجیکستان دیدن کردیم. آقای جوهره بای نذری اوف رئیس این انستیتو، مردی دانشمند، آداب‌دان و خوش معاشرت است. مؤسسه او حدود ۱۵۰۰۰ جلد کتاب خطی و چاپ سنگی دارد و مفصل‌ترین گنجینه نسخ خطی فارسی در تاجیکستان است. انستیتو به نام «عبدالغنی میرزایف» دانشمند شهیر تاجیک خوانده شده است.

در تاجیکستان نسخ خطی فارسی ممتاز و منحصر به فردی وجود دارد که تا به حال همه آنها به دقت شناسایی و معرفی نشده است. فهرس چاپ شده شامل معرفی همه دست‌نویس‌ها نیست و هنوز باید سالیان متمادی تلاش کرد تا بتوان همه نسخه‌ها را به

اهل کتاب و دانشمندان رشته‌های گوناگون شناساند. در فرودگاه تهران هنگام انتظار برای پرواز دکتر محمدعلی موحد و دکتر صمد موحد را ملاقات کردم که عازم قونیه برای شرکت در مراسم مولانا بودند. دکتر محمد علی موحد می‌گفت نسخه خوبی از حدیقة الحقیقه تألیف نوه شیخ جام در تاجیکستان موجود است و تمایل داشت در صورتی که بتوانیم عکسی از آن تهیه کنیم. اما من نتوانستم این نسخه را که پیش از آن دکتر موحد براساس دست‌نویس‌های دیگر تصحیح و جزو انتشارات بنگاه ترجمه و نشر کتاب به چاپ رسانده بود پیدا کنم. اما نسخه‌های خوب دیگر در کتابخانه ملی تاجیکستان وجود داشت، از جمله دست‌نویس ممتازی از معارج النبوة فی مدارج الفتوة اثر ملامعینی فراهم بود. این نسخه به قطع شاهانه بزرگ و ابعاد آن ۵۲×۲۹ سانتیمتر است. نسخه‌ای است نفیس با تذهیب مفصل و ظاهراً از آثار مکتب هرات و در همان عصر مؤلف، کتابت شده است. از خمسة امیر خسرو دهلوی هم چند نسخه ارزانده موجود بود. نسخه دیوان جامی به خط فرزندش پیرعلی هم در کتابخانه ملی وجود دارد که در سال ۹۳۳ ه. ق. نوشته شده است. دست‌نویس ارزانده دیگر نسخه شاهنامه فردوسی است که در سال ۱۰۰۷ ه. ق. ۱۵۹۸ م کتابت شده. این نسخه هر چند ناتمام است ولی مینیاتورهای نفیس دارد.

یک روز کامل - شنبه ۲۸ آذرماه ۸۳ - به این ترتیب به بازدید کتابخانه‌ها گذشت. در این روز به مدت حدود ۱۵ ساعت برف سنگین در تاجیکستان بارید که برای مردمان آنجا هم کم سابقه بود. و تا حدی برنامه‌های بعدی ما را تحت تأثیر قرار داد. روز دیگر از دانشگاه ملی تاجیکستان بازدید کردیم.

تعداد دانشجویان دختر در مقایسه با ایران بسیار اندک است. شاید قریب ۱/۱ دانشجویان پسر. اما در بخش کلاس‌های فارسی و ایران‌شناسی دانشگاه که بنا به دعوت دکتر عمر صفر رئیس آن قسمت به دانشگاه رفته بودیم تعداد دانشجویان دختر و پسر تقریباً برابر بود. در این دانشگاه چند اتاق به نام «اتاق ایران» خوانده شده اما محقر است و کتب موجود در آنجا اندک. می‌توان با هزینه‌ای ناچیز، آنجا را سامان داد و کتابخانه خوبی از کتب زبان فارسی چاپ ایران به هر یک اهدا نمود، مسئولین اطاق‌های ایران امیدوارند، آقای قهرمان سلیمانی رایزن جدید فرهنگی ایران که به تازگی در دوشنبه استقرار یافته بیش از اسلاف خود فعالیت کند.

یکشنبه شب، ۲۹ آذر ماه که شبی سرد و خیابان‌ها و کوچه‌ها مملو از برف و یخ بود، دوستان پیشنهاد دادند تا شب گردی و قدم زنی در هوای شبانه سرد دوشنبه را بیازمائیم. دکتر صدری نیا زیر بار نرفت، مقاله و گزارش نویسی را بهانه آورد و در خانه ماند. ما سه تن، ساعاتی را در کوچه‌ها و خیابان‌های شهر دوشنبه زیر نگاه مظنون پلیس به قدم زنی پرداختیم، شب واقعیت‌ها را عریان‌تر نشان می‌دهد، آنچه فعلاً از میراث انقلاب بلشویکی برای تاجیکستان فقیر باقی مانده اینهاست: الفبای سریلیک، فقر مزمن، فشار و فساد اقتصادی برای توده‌های مردم.

روز بعد به منظور دیدار با استادان و دانشجویان زبان فارسی و تاجیکی به دانشکده دولتی زبان‌های خارجی رفتیم که در زمینی بسیار وسیع جای دارد. رئیس دانشکده خانمی است که دکترای زبان روسی دارد اما فارسی را به روانی صحبت می‌کند. پس از ملاقات با وی به دیدار دانشجویان و استادان که در کلاسی مجتمع بودند رفتیم، دکتر صدری نیا و نگارنده به اختصار سخنانی گفتیم، دانشجویان سؤالاتی داشتند و توقعاتی، خانم بهجت سعیدی استاد ایرانی درخواست ارسال دایرة المعارف بزرگ اسلامی داشت و قول مساعد به او داده شد. قرار شد دوره فرهنگ‌های منتشره توسط سازمان فرهنگ معاصر هم به دانشکده اهدا شود.

از آنجا به پژوهشگاه فرهنگ فارسی تاجیک رفتیم. این پژوهشگاه را سفارت ایران در دوشنبه تأسیس کرده و دکتر مسعود قاسمی از همان ابتدای تأسیس یعنی از سال ۱۳۷۴ تاکنون مسئولیت اداره آن را برعهده دارد. دکتر قاسمی کتابخانه‌ای نسبتاً بزرگ از کتب فارسی چاپ ایران تشکیل داده، با ادیبان و استادان تاجیک ارتباط خوبی دارد. کتابخانه عضو می‌پذیرد و به دانشجویان و علاقمندان کتاب امانت می‌دهد.

پژوهشگاه از تابستان ۱۳۸۰ مجله تحقیقی مفیدی به نام نامه پژوهشگاه منتشر می‌کند. مقالات این مجله را بیشتر ادبای تاجیک می‌نویسند. اکثر مقالات در باب مقولات زبان‌شناسی به خصوص در باب زبان‌های فارسی تاجیکی، یغنابی، روشنایی و فرهنگ و فولکلور مردم تاجیک، بدخشان و افغانستان و مطالبی از این دست است که برای محققان ایرانی تازگی دارد. از نامه پژوهشگاه تاکنون ۶ شماره منتشر شده و چهارمین شماره ویژه نامه ناصر خسرو است.

در پژوهشگاه با دکتر پروانه جمشید اوف استاد زبان ملاقات کردیم. وی ده سال پیش فرهنگ بزرگ فارسی - تاجیکی - انگلیسی تألیف خود را تحویل یکی از

انتشاراتی‌های تهران داده اما تاکنون به چاپ نرسیده و از این بابت سخت گله‌مند بود. قرار شد در تهران پی‌گیر کار او شویم.

آخرین شب اقامت در تاجیکستان که مقارن با شب «یلدا» بود، در مهمانی عروسی گذشت که در بزرگترین تالار تاجیکستان برگزار شده بود. سالنی وسیع که تمام دیوار و سقف آن با چوب هنرمندانه پوشیده و نقاشی شده بود. عروس و داماد از یک و تاجیک بودند. به ایرانیان با مهربانی و صمیمیت هر چه تمام‌تر برخورد می‌کردند و به طور مداوم تعارف، اگر دولت‌ها بالای سر ملت‌ها نباشند، آنها به آسانی و بی دغدغه کنار هم زندگی دوستانه می‌کنند و دشمنی نمی‌ورزند. صبح روز بعد عازم ایرانیم. کارها و برنامه‌های ما تقریباً همه به خوبی انجام شده است. صبح به تنهایی از خانه‌ای که روزهای آخر در آنجا سکونت داریم، بیرون آمدم، بیرون خانه دکتر دادخواه کرم شاه‌یف استاد زبان‌شناسی و متخصص زبان بدخشانی را دیدم. او در طبقه سوم ساختمان محل سکونت ما زندگی می‌کند ولی ما خبر نداشتیم. اهل بدخشان و بسیار خوش محضر است. وقتی فهمید عازم بازگشت به ایران هستیم، دعای سفر زیر را برایمان خواند که به گفته او از دعا‌های سفر مرسوم اهل بدخشان است و بدخشانی‌ها که اسماعیلی مذهب‌اند، موقع سفر این دعا را برای مسافران خود به زبان فارسی می‌خوانند:

هم تو خیری، هم تو مولایی به سفر کردم چه فرمایی
به سفرکردنت مبارک باد به سلامت روی و باز آیی